

فصل نامه جُندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۵

سهم تبریز در رونق اقتصادی دوران ایلخانان با تکیه بر تجارت جواهرات

فاطمه پوربختیاری^۱ (نویسنده مسئول)

علی بحرانی پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۸

چکیده

شهر تبریز در ایالت عراق عجم از آبادترین و پر جمعیت‌ترین شهرهای آذربایجان بوده است. اهمیت تجاری و صنعتی شهر تبریز در تمام دوران‌های تاریخ ایران در خور توجه بوده است که اوج این رونق اقتصادی در زمان استقرار ایلخانان در ایران و برگزیده شدن تبریز به عنوان پایتخت توسط اباقا خان تحقق یافت.

این شهر دارای کارخانه‌های متعدد جهت پرداختن به صنایع مختلف بوده و اکثر ساکنان آن بازرگان و کارخانه دار بودند. موقعیت ترانزیتی تبریز به قدری بود که بازرگانان از نقاط مختلف مانند بغداد و موصل و هرمز و هندوستان برای خرید و فروش به آنجا رفته و بهترین سنگ‌های قیمتی و مرواریدهای اعلا در بازارهای آن به فروش می‌رسید.

اوج شکوه اقتصادی تبریز در تمام زمینه‌های تجاری از جمله جواهرات به دوران حکمرانی غازان خان بازمی‌گردد. رونق تجارت جواهرات در بازارهای داخلی به خارجی به حدی بود که بازاری تحت عنوان بازار جوهریان، در کنار سایر حرف، وجود داشت، که در آن انواع جواهرات به وفور به فروش می‌رسید. در این زمان به دلیل نزدیکی ایلخانان با کشورهای آسیای مرکزی، شهرتبریز به عنوان دروازه بین شرق و غرب بوده و تجارت جواهرات با این کشورها و کشورهای اروپایی به اوج خود رسیده است. در بازارهای غازی تبریز سنگ‌های قیمتی و مرواریدهایی که از سیلان و بحرین به دست می‌آمد، صیقل و سوراخ می‌شد و سپس برای فروش به کشورهای آسیایی و اروپایی از جمله قسطنطنیه عرضه می‌گشت. رونق تجاری تبریز به حدی بود که غازان خان دستور داد قیمت طلا و نقره را در تمام قلمرو ایلخانان مطابق قیمت طلا و نقره تبریز قرار دهند.

واژگان کلیدی: تبریز؛ رونق اقتصادی؛ ایلخانان؛ تجارت جواهرات؛ مروارید.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز f.pourbakhtiari93@Gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز Bahranipour@hotmail.com

مقدمه

تبریز، یکی از آبادترین شهرهای ایران در طول تاریخ ایران از دوران باستان تا به امروز بوده است. این شهر در دوران حکمرانی ایلخانان یکی از بی نظیرترین ادوار خود را سپری کرده است. اهمیت این شهر از برگزیدن آن توسط اباقخان (۶۶۳ ق) به عنوان پایتخت حکومت ایلخانان مشخص می‌گردد. در زمان غازان خان شهرهای آذربایجان رو به آبادانی نهاد و شهر تبریز وسیع تر از سابق گردید.

نکته حائز اهمیت در این مقاله توجه به تبریز به عنوان یک موقعیت صنعتی و ترانزیتی جواهرات در عهد ایلخانان مغول می‌باشد. موقعیت ترانزیتی که به سبب ویژگی‌های جغرافیایی و مجموع عوامل دیگر نصیب این شهر شد. همین عوامل و ویژگی‌های دیگر، تجارت با شهرهای داخلی و کشورهای خارجی را به وفور گسترش داده تا در خلال تجارت انواع کالاهای گران بها، جواهرات نیز به عنوان کالای اغنیاء سهم عمده ای در تجارت را به خود اختصاص دهد. صنعت گران و سازندگان جواهرات مختلف به منظور تولید و استخراج جواهرات به صورت کم نظیری در این شهر ابراز وجود می‌کردند. و این شهر به عنوان پایتخت بازرگانی و صنعتی و هنری عصر خویش محسوب می‌شده است که همواره چشم سیاحان داخلی و خارجی را خیره کرده است. از سوی دیگر باید گفت که جواهرات به عنوان احجار و فلزات کریمه بدلیل زیبایی، کم یابی و خواص منحصر به فرد خود دارای ارزش خاصی بوده و از اعصار قدیم توجه‌ها را جلب و حکومت‌ها را به جمع‌آوری خود حریص گردانیده‌اند. دولت‌ها و حکومت‌های عالی که دوراندیشی و آینده‌نگری داشته‌اند، هم برای افزایش شکوه و اعتبار خود و هم برای اندوختن ثروت خزانه خود و تجارت آن به جمع‌آوری جواهرات همت می‌گماردند.

در این پژوهش سعی بر این است که؛ سهم شهر تبریز در رونق اقتصادی ایلخانان با تکیه بر تجارت جواهرات پرداخته شود. فرض بر این است که با وجود معادن جواهرات در کوه‌های آذربایجان و موقعیت سوق الجیشی این شهر، بازارهای آن به جایگاهی مناسب جهت تجارت جواهرات با شهرهای داخلی و کشورهای خارجی تبدیل شده است. بر اساس جستارهایی که پژوهشگر انجام داده است، پژوهش مستقلی تحت این عنوان صورت نگرفته است

هدف از این پژوهش ارائه تصویری از تجارت جواهرات در شهر تبریز در دوران حکمرانی ایلخانان می‌باشد و روش تحقیق نیز به صورت توصیفی - تحلیلی بوده است.

گوهرشناسی

گوهرشناسی همانگونه که از نامش بر می آید دانشی است که درخصوص پیدایش، ویژگی ها، کاربردها و نحوه پرداختن جواهرات مختلف جست و جو می نماید. این قسم از علم، دانشی است که در آن چگونگی اوصاف گوهرها از ابتدای به دست آمدن آنها از دل طبیعت یعنی تولید و پس از آن، صنعت و پرداختن به آنها، چه آنها که در کوهها می باشند؛ مانند الماس و یاقوت و فیروزه و غیره و چه آن ها که در ردیا هستند مانند مروارید و مرجان می پردازد.^۱ دانش گوهرشناسی از علوم ابتدایی تاریخ زندگانی آوردن بشر است که هم سلاطین و هم حکام و بزرگان و هم دانشمندان این حرفه از دوران باستان تا پس از اسلام به آن توجه به خصوصی داشته اند. این امر را می توان ناشی از کثرت جواهر نامه های قدیمی و کتاب ها و مقالات و رسانه های کنونی دانست. از جمله کتبی که در همین پژوهش استفاده شده است.

گوهر

همانگونه که لغت شناسان گفته اند معدن از عدن گرفته شده است و عدن به معنای جایگاه جواهرات است بنابراین مرکز هر چیزی را از لحاظ لغوی، معدن آن چیز می گویند. بنابر توصیف معدنیات توسط خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم هجری هرکدام از انواع معدنی ها بنابر «استعدادی که در آن باشد» صورتی از انواع کانی ها را می پذیرد.^۲

جوهر = گوهر به معنای «هر چیزی که قایم به ذات خودش است» برابر است.^۳ البته وی از لحاظ لغوی کلمه جوهر را با اصل، نژاد، ذات و سرشت و هر سنگ گرانبها برابر دانسته است.^۴ جواهرات به عنوان سنگ و فلزات قیمتی گونه ای از معدنیات بشمار می آیند که از گذشته تاریخ تا به امروز به سبب ویژگیهای خاص و ذاتی خود مرکز توجه بوده اند. خصوصیتی که خواجه نصیرالدین بسته به مزاج (ذات) و استعداد (آمادگی) معدنیات متفاوت می داند.

همچنین نویسنده کتاب نخبه الدهر در قرن هشتم در خصوصیات کانی ها ذکر کرده است مواد کانی و معدنی ها یکی از تولیدات سه گانه محسوب می شده اند که از بسیاری انواع در شمار نمی گنجند. اما آنچه از آنها می شناسند نزدیک به هفتصد گونه بوده است. که همه آنها دارای رنگ و مزه و ویژگی و خواص

۱. طوسی، تنسوخ نامه ی ایلخانی، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. معین، فرهنگ فارسی، ذیل عنوان گوهر .

۴. همان، ذیل عنوان جوهر.

منحصربه فردی بوده اند. این گوناگونی نیز به جهت موادی است که این کانی ها از آنها به وجود می آیند («چه آن مواد خاک باشند، چه سنگ و چه آب»)^۱.

ویژگیهای ذاتی را که جوهرشناسان و مورخان در مورد آن ها سخن گفته اند شامل زیبایی و درخشندگی جواهرات، کمیاب بودن آنها و میزان استحکام آنها است.^۲ درخصوص ویژگی اول یعنی زیبایی و درخشندگی جواهرات باید گفت که گرایش آدمی به زیبایی باعث توجه وی به سنگ ها و فلزات قیمتی شده و تلاش وی را برای جمع آوری آنها ترغیب کرده است.

از سوی دیگر رنگ جواهرات نیز یکی از ویژگی های ذاتی آنها محسوب می شده که دلیلی برای متمایز و جذاب بودن جواهرات از سوی انسانها بوده است. رنگ تمام معدنی ها اعم از جواهرات یا کانی های بی ارزش تر بین رنگ های سفید و سیاه بوده اند و رنگ های مختلف از درهم آمیختن همین دو رنگ به وجود آمده اند. بنابراین طبیعی بوده است که رنگ های نامحدودی از کانی ها و معدنیات وجود داشته باشند.^۳ بنابراین جواهرات براساس خصوصیات خاصی که ناشی از پدیدارشدن آن ها می باشد رنگ های مختلفی دارند که این خصوصیات بسته به نوع استعداد آن جواهر متفاوت می باشد.

علاوه بر گرایش طبیعی به جواهرات به سبب زیبایی و خواص فیزیکی، مصارف درمانی جواهرات بدلیل خصوصیات ذاتی آنها موردتوجه بوده است، زیرا قوای مافوق طبیعی جواهرات باعث انتقال آن دما به بیشتر شده است و در تسکین دردهای جسمی و روانی وی مثرثمر بوده است.^۴ البته باید این سخن را اضافه کرد که این نظرات مانند بسیاری از مورد دیگر مورد پذیرش همه متخصصان نیست و عقاید متفاوتی درخصوص صحت یا سقم آنها وجود دارد.

جغرافیای اقتصادی شهر تبریز

با روی کار آمدن منگوقاآن پس از مرگ چنگیزخان اهداف مغولان در شرق و غرب پیگیری شد. هلاکو که از دربار خانباغ مأمور گسترش اهداف مغولان در ایران، آسیای مرکزی و بین النهرین و شامات و مصر شده بود، با غلبه نهایی در ایران توانست حاکمیت فرزندان خود را در این کشور پایه ریزی و ابقا کند.

۱. انصاری دمشقی، نخبه الدهرفی العجایب البرو البحر، ص ۸۸.

۲. قربانی، علی، کلیاتی بیرامون سنگ های گرانبها، ۱۳۹۱، ص ۲۲-۲۳.

۳. طوسی، همان، ص ۲۳.

۴. قربانی، همان، ص ۲۲-۲۵.

این شهر از جمله شهرهایی بود که در هنگام حمله مغولان از آسیب در امان ماند. و در اوایل قرن هفتم هجری توسط اباقخان به عنوان خواستگاه ایلخانان برگزیده شد. در این دوره هم با فتح آذربایجان توجه ایلخانان به تبریز به عنوان قلب تپنده این ولایت جلب شده و به آبادانی و توسعه این شهر همت گمارده شد. در این دوران با توجه به امنیت سیاسی و اصطلاحات گمرکی خانات مغول در مسیر راه ها دو دسته از شهرها رونق یافته بودند. یکی شهرهایی مانند یزد و کاشان که دارای بازارهای محلی کوچک بودند و دیگری شهرهایی که در مسیر شاه راههای تجاری قرار داشتند و دارای انبارهای بزرگ و بازارهای گسترده بودند از جمله تبریز، شیراز، هرمز و مراغه.^۱

پس از سقوط خلافت عباسی بغداد به عنوان پایگاه اسلام و شهری تجاری سیاسی رونق خود را از دست داد و تبریز به عنوان شهر ترانزیتی از مراکز مهم تجاری جهان شد. همچنین در این زمان فتوحات مغولان باعث نزدیکی سیاسی ایران و کشورهای آسیای مرکزی گردید، به همین دلیل شهرهای تجاری واسطه برقراری ارتباط بازرگانی بین شرق و غرب شده و تبریز به عنوان پایتخت این حاکمیت گسترده که از رود جیحون تا مصر گسترده شده بود، به عنوان دروازه اروپا و هندو چین مرکز توجه قرار گرفت و «سکه های طلا و نقره و کیل و گز برابر با واحد تبریز تنظیم گردید»^۲ درخصوص موقعیت جغرافیایی این شهر باید گفت که مارکوپولو آن را از شهرهای آباد عراق عجم ذکر کرده است که شغل عمده ساکنین آن بازرگانی و کارخانه داری است.^۳ شهر تبریز دارای مزایای مهمی بوده است. این شهر با موقعیتی بسیار نیکو در دشتی پهناور و در جهت مشرق قرار دارد. هوای این شهر چنان مطبوع بوده که بازرگانان از شهرهای مختلف مانند کاشان، یزد و بغداد همچون دیگر تجار در کاروانسراهای آن اقامت داشته اند.^۴

تبریز بدلیل موقعیت ممتازش مرکز استان حاصلخیز آذربایجان بوده و جز تفلیس، تهران، اصفهان و بغداد که از همین قبیل بشمار می روند، هیچ شهری به پای آن نمی رسد.^۵ اشپولر نیز تبریز را از حیث بازرگانی داخلی ستایش کرده است و از این شهر به عنوان غنی ترین شهرها از نظر جنس نام برده است.^۶

گفتار مورخان نشان می دهد که تبریز از لحاظ جغرافیایی اقتصادی موقعیت مطلوبی را دارا بوده است و بازرگانان مختلف برای تجارت در کاروانسراهای آن اقامت داشته اند. بنابراین موقعیت جغرافیایی به عنوان

۱. پطروشفسکی و دیگران، تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در دوره مغول، ص ۲۲.

۲. همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. مارکوپولو، سفرنامه مارکوپولو، ص ۳۱.

۴. سفرنامه های ونیزیان در ایران، ص ۳۸۳-۳۸۴.

۵. مینورسکی، تاریخ تبریز، ص ۳.

۶. اشپولر، تاریخ مغول در ایران، سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان، ص ۴۳۳.

یکی از عوامل موثر در رونق اقتصادی تجارت جواهرات در خصوص شهر تبریز بطور کامل مصداق داشته است.

بازارهای تبریز

کلاویخو ضمن توصیف شهر تبریز از نظر موقعیت جغرافیایی از خیابان‌ها و بازارهای تبریز که در آن همه نوع کالا فروخته می‌شود سخن می‌گوید: «در بازارهای شهر پارچه های ابریشمی و پنبه و تافته و ابریشم خام و جواهرات و همه گونه ظروف می‌توان یافت».^۱ همچنین شاردن نیز در قرن بعدی تبریز را توصیف کرده و همچنان از پایداری بازارهای آن سخن می‌گوید: تبریز یکی از بزرگ ترین شهرهای ایران چه از حیث عظمت و چه از حیث تجارت بوده است و «بازارهای آن از سایر بلاد آبادتر و باروهای آن بلندتر است» و بازارهایی بنام قیصریه داشته که مثنی یا به شکل هشت ضلعی بوده و «محل جواهریان است»^۲ از گزارشات کلاویخو و شاردن بر می‌آید که تجارت و صنعت در شهر تبریز بسیار رونق داشته است. همچنین مشخص است که رونق جواهرات به قدری بوده است که در کنار دیگر حرفه ها بازاری بنام قیصریه برای جواهریان وجود داشته است. جواهریان یا جوهریان آن دسته از صنعت گرانی بودند که به کار حکاکی، طلاکاری و خرید و فروش جواهرات مشغول بودند. این شهر با قرار گرفتن بر سر راههای تجاری، شرایط جغرافیایی صرف را به یک موقعیت اقتصادی ویژه تبدیل کرده است.

معادن سنگ های قیمتی اطراف تبریز

در این بخش لازم است از کوه‌های اطراف تبریز که دارای معادن سنگ ها و فلزات گران بها هستند ذکری داشته باشیم. از همین معادن بود که مقادیر بسیار زیادی از جواهرات استخراج و برای پرداختن به «دارالصنایع» دکان ها و کارگاه های جواهرسازی تبریز فرستاده می‌شده و در نهایت این شهر را به یکی از بزرگترین مراکز تولید و تجارت جواهرات در دوران ایلخانان مبدل ساخت.

در قرن هفت و هشت گزارشاتی از منابع این دوره در خصوص وجود معادن جواهرات اطراف تبریز شده است. کوههای «سرخاب» و «لیان کوه» که در شمال تبریز واقع شده و در یک فرسخی آن قرار داشته اند. از معادن این کوه ها فلزات طلا و نقره استخراج شده و برای جلاکاری و پردازش به شهرهای اطراف آن

۱. کلاویخو، همان، ص ۵۷.

۲. شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۵۹.

مانند تبریز و مراغه انتقال داده می‌شد.^۱ همچنین معدن نوعی سنگ قیمتی به نام «جمس» در کوه های «سراب» در نزدیکی تبریز وجود داشته است. این سنگ نوعی از جواهرات نیمه قیمتی محسوب می‌شد که مانند بلور شفاف بوده و رنگ آن متمایل به سرخی داشته است. در گذشته از این سنگ برای تولید زیورآلات استفاده می‌کردند.^۲

علاوه بر این معادن مرمر سفید که در چند مکان از کوه های اطراف تبریز قرار داشتند، شاردن می‌گوید: «مرمر یکی از آن معادن آنقدر شفاف است که ضخامت آن هرچه زیاد باشد روشنایی از آن نفوذ می‌کند.» گفته شده است که این مرمر آب چشمه ای است که بعد از بیرون آمدن از چشمه منجمد شده و تبدیل به مرمر می‌شود.^۳ معدن مرمر دیگری در جنوب تبریز در ناحیه دهخوارقان قرار دارد که سنگ های مرمر آن به تبریز حمل شده و در معرض فروش قرار می‌گرفته اند.^۴ دو معدن دیگر در کوه های اطراف تبریز وجود داشتند که یکی طلا و دیگری نمک بوده اند. اما بدلیل برابر بودن دخل و خرج معدن طلای آن، عایدات خاصی نصیب نمی‌شده است. بنابراین معدن کاران به استخراج نمی‌پرداختند، چون به صرفه نبوده است.^۵

نمونه هایی از کاربرد جواهرات

از بناهای زیبای این شهر که مرصع به جواهرات می‌باشد، یکی دژ زیبایی است که در شرق تبریز واقع شده است که سر ستون های آن آکنده از کنده کاری بوده و ساروجی که به کار برده اند، مخروطی شبیه یشم بوده و تمام اتاق های این دژ بوسیله لاجورد و آب طلا تزئین شده‌اند.^۶ همچنین بناهای زیبایی مثل شنب غازان و مساجد عالی و مدارس باشکوه شهر تبریز که علاوه بر سایر جواهرات بوسیله سنگ های مرمری که معدن آن نزدیک تبریز بود، زینت یافته‌اند.^۷ بنابراین باید گفت که یک همبستگی عمیقی بین جغرافیای اقتصادی شهر تبریز و رونق تجاری و صنعتی آن در حرفه های مختلف از جمله جواهرسازی به عنوان کالایی تجملی و هنری وجود داشته است که این همبستگی ذاتی باعث شکوفایی تجاری دوران ایلخانیان شده است.

۱. مستوفی، نزه القلوب، ص ۱۹۷.

۲. طوسی، همان، ص ۱۲۳.

۳. شاردن، همان، ص ۵۹.

۴. نادر میرزا، همان، ص ۸۶-۸۷.

۵. شاردن، همان، ص ۵۹.

۶. سفرنامه ونیزیان در ایران، همان، ص ۳۸۳-۳۸۴.

۷. نادر میرزا، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ص ۸۷.

تولید و صنعت جواهرسازی

توجه به پرداختن جواهرات نیز مانند دانش گهرشناسی از دیرباز محل توجه سلاطین و حکما و بزرگان بوده است. به همین منظور صنعتی تحت عنوان جواهرسازی بوجود آمد که حجاری (کار بر روی سنگ های قیمتی)، حکاکی، طلاکاری و ... از زیرشاخه های این هنر هستند. باید گفت که این صنعت بدلیل کاربردهای زینتی آن به نوعی هنر و فرهنگ ایرانی تبدیل شده بود که بسته به شرایط دولت ها و اهمیت به آن، پررنگ و کم رنگ شده است. همانطور که عباس اقبال می گوید: «با نمایش قطعات جواهر و آلات سمینه و زرینه ای که بدست هنرمندان خودساخته و پرداخته و اثر و نقش و استعداد و هنرمندی آنها نمودار می شود و آوردن آن ها در معرض انظار دیگران می تواند به هنر صنعت گرانی که آنها را بوجود آورده اند بیالد»^۱.

صنعت جواهرسازی از ابتدایی ترین شکل آن یعنی سوراخ کردن جواهرات و قراردادن آنها در نخ و بند برای تزئینات تا شکل امروزی آن یعنی استفاده از ماشین آلات برای پرداختن به این هنر و جایگاه خود را در تاریخ زندگی بشر حفظ کرده است. و استفاده از جواهرات به اندازه زندگی بشر قدمت دارد. در دوران باستان (هزاره چهارم ق م) استفاده از سنگ هایی مثل عقیق و فیروزه با رنگ هایی درخشان متداول شده بود.^۲ و یا اینکه از آثار خرابه های شوش سنجاقی مسی که روی آن با لاجورد تزئین شده بود، یافت شده است.^۳ همچنین با شروع خلافت اسلامی در ایران و شکل گیری حکومتها متقارن کاربرد جواهرات به عنوان تزئینات و تجارت آن به عنوان کالایی تجملی به روال خود ادامه داد در قرن چهارم و پنجم تولید و تجارت فلزات گرانبها مثل طلا، نقره^۴ و سنگ های قیمتی مثل فیروزه و لاجورد^۵ در مناطق جواهرخیز ایران به وفور وجود داشته است. همچنین در قرن ششم بنابر ششم طبق جواهرنامه نظامی، تولید و تجارت عمده ای از انواع سنگ ها و فلزات قیمتی و کاربرد آنها به عنوان جواهر صورت می گرفته است. برای مثال فیروزه نیشابور از معادنی مثل «ابو اسحاقی»، «ازهری»، و «عبدالمجید» استخراج می شده است و سپس به وسیله چرخ حکاکی جلا میافته و پس از ترصیع و تبدیل به نگین های مربع و مدور و مضربی به نقاط مختلف برای فروش صادر می شده است.^۶

۱. اقبال، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، ص ۷

۲. گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۱۴.

۳. ویلسن، تاریخ صنایع ایران، ص ۵۸.

۴. بیرونی، الجماهر فی المعرفة الجواهر، ص ۳۸۵.

۵. همان، ص ۱۵۷.

۶. جوهری نیشابوری، جواهرنامه نظامی، ص ۱۲۸-۱۳۵.

کاربرد جواهرات در امور گوناگون چه زیورآلات چه تزئین بناها و ظروف و چه تجارت آن ها به صورت طبیعی آنها چندان خوش آیند نبوده است. البته این امر به مرور زمان پیشرفت کرده است. از سوی دیگر باید گفت که برای تجارت جواهرات همواره شکل تراش خورده و صیقل یافته آن مورد توجه بوده است و خام فروشی در صورت ضرورت انجام می شده است. فروش جواهرات به صورت جلاکاری شده از سویی نمایانگر جلوه ای از فرهنگ ایران بوده است و هم ارزش بیشتری از لحاظ قیمتی داشته است. به طوری که به قول خواجه نصیرالدین طوسی «اگر ممسوح باشد بهای آن دو برابر شود.»^۱ این گفته بدان معنی است که اگر جواهرات حجاری شده و صیقل یافته باشند قیمت آن افزایش میافته است. در نتیجه توجه به صنعت جواهرسازی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

بنابراین دلایل، گونه هایی از تراش ابتدا به وسیله سنتی و بعد به صورت ابزارهای صنعتی بوجود آمد که در دوره های موردنظر ما، شکل سنتی آن موردنظر است. در دوران ایخانان پس از استحکام استقرار سیاسی، کار پرداختن به حرفه ها و صنایع در شهرهای مختلف ایران که دارای ظرفیت های مناسب تولید و تجارت بودند، فزونی یافت. شهرهایی مانند اصفهان، شیراز، تبریز و بنادری مانند هرمز و جزایری مثل قشم و کیش محل تولید و تجارت جواهرات شدند.

در تبریز قرن هفت و هشت نیز بنابر آنچه در بخش های پیشین یعنی جغرافیای اقتصادی این شهر گفته شد، توجه به تولید جواهرات و صنعت جواهرسازی به عنوان یکی از صنایع مهم حیاتی برای رونق تجارت این کالای گرانبهادر افزایش یافت. برای مثال سنگ های مرمری که از کوه های نواحی اطراف تبریز استخراج می شد را برای پرداختن و فروش به شهر تبریز می آوردند. استخراج این سنگ ها به گونه ای بوده است که ابتدا مکان هایی که در آنجا احتمال وجود مرمر داده می شد، شناسایی می کردند سپس این مکان ها توسط کارگران معدن حفر می شدند و گودال ها را خالی می کردند تا به سنگ برسند. در این مرحله کار تخصصی می شود و معدن شناسان با دیدن نوع و مشخصات سنگها اطمینان حاصل می کردند که این سنگ مرمر می باشد و پس آن را از خاک بیرون می کشند و بوسیله شتر به تبریز حمل می کنند.^۲

این امر در خصوص سایر جواهراتی که از کوه های اطراف تبریز به این شهر آورده می شد نیز همین گونه بوده است. هر کدام بسته به نوع جوهر، توسط معدن شناسان و جواهرکاران استخراج می شدند که بدلیل زیاد بودن جواهرات از عهده این بحث خارج است.

۱. طوسی، همان، ص ۴۶.

۲. نادر میرزا، همان، ص ۸۷.

صنعت پرداختن به جواهرات به صورت تراش کاری و جلاکاری و صیقل دادن آنها صورت میگرفت. که با توجه به جنس و شکل و نوع جواهرات متفاوت بوده است. برای مثال در شکل سنتی پرداخت، در دوران حکومت ایلخانان برای تراشیدن و جلا دادن سنگ یاقوت آن را به یک سر چوب می بستند و به چرخ حکاکی می سائیدند تا صاف شود. و بعد آن را بوسیله سمباده می سائیدند تا خشونت و زبری آن گرفته شود. سپس آن نگین را بر صفحه مس می مالیدند و سایش می دادند تا جلا یافته و نرم شود، سپس آن را از سر چوب باز می کردند و در آب گرم می گذاردند تا رنگ سیاهی که بدلیل سوزن روی آن بوجود آمده است پاکیزه شود^۱ و سپس آن را توسط ماده ای محلول در آب معروف به جوهر جلا، زیبا و درخشانده می کردند.^۲ در تراش نوع سنتی ابزارهای مخصوص تراش و صیقل شامل چرخ حکاکی، چوب حکاکی (چوبی که جواهر را بر آن می بستند تا جایگاه محکمی داشته باشد و تکان نخورد زیرا لغزش باعث آسیب دیدن جواهر می شد). سمباده که به عنوان نوعی سوهان کاربرد داشته است و صفحه مسی که بوسیله آن سنگ را جلا می دادند، بوده است.

در برخی از کارگاه های دیگر، تراش کار سنگ ها را بوسیله دستگاهی با تیغه الماس به تکه های کوچک تقسیم می کرد و سپس آنها را بوسیله چرخ حکاکی و تیغه الماس شکل می داد و قسمت های اضافی آن را حذف می کرد. در برخی از کارگاه ها نیز جواهر به صورت چوب بسته نمی شد بلکه بوسیله چسب کندر (که نوعی شیره درختی است) به چوب وصل می شد.^۳

به طور کلی کار تراش و صیقل جواهرات در شکل سنتی آن تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته است و شاید تنها در به کاربردن ابزارهای جزئی در کارگاه ها تفاوت های وجود داشته است. برای مثال زمرد را نیز مانند یاقوت به چرخ مسی می بستند و پس از بین بردن قسمت های اضافی، درشتی های آن را با سنگ محک جلا می دادند و به اصطلاح آن را نرم می کردند.^۴ همچنین برای تراش فیروزه از چرخکی که از سمباده و صمغ مخلوط تشکیل شده بود استفاده می کردند. به این صورت که صنعت کار با دست راست به وسیله کمان و زه چرخ را می گرداند و فیروزه را با دست چپ بر روی چرخ می گذارند و برای جلوگیری از ساییده شدن دست از قطعه چرمی یا چوبی استفاده می کرد. در پایان نیز آن را جلا داده و برای تزئینات به کار می بردند.^۵

۱. طوسی، همان، ص ۴۳-۴۴.

۲. ذکاء، گوهرها، ص ۱۳

۳. همان، ص ۱۳

۴. طوسی، همان، ص ۵۹

۵. ذکاء، همان، ص ۹۱.

مشخص است که به طور کل تراشیدن و کار بر روی جواهرات به یک صورت انجام می‌شده است و تفاوت های اندکی در استفاده از قطعه چوبی و چرمی برای جلوگیری از ساییدگی است و یا ماده جلا برای استفاده نمودن جواهرات وجود داشته است.

گاهی نیز جواهراتی مانند بلور را بعد از تبدیل به قطعات کوچک تر رنگ می‌کردند.^۱ این امر احتمالاً برای زیباکردن جواهرات صورت می‌گرفته است.

گاهی نیز جلا دادن و پرداختن به جواهرات در این دوره برای تمایز بین سنگ های قیمتی و یا تفاوت بین انواع جواهراتی که شبیه به یکدیگر بودند انجام می‌شد. حکاکان برای امتحان مینا و زمرد آن ها را جلا می‌دادند. همچنین برای تمایز بین لعل سبز و یشم سبز و زمرد آن ها را جلاکاری می‌کردند.^۲

گاهی نیز برای تقویت، خوش رنگ کردن و استحکام جواهرات آن ها را جلا می‌دادند. جلا دادن ننگین فیروزه باعث پررنگ شدن آن می‌شده است.^۳

باید گفت در این دوره زرگران مهارت های زیادی داشتند و جواهرتراشان ایرانی در تراشیدن سنگ های قیمتی استاد بودند و برجسته کاری و حکاکی را بسیار خوب انجام می‌دادند. زرگران و نقره کاران مانند سایر صنعت گران بودند و برای کار به هر جایی می‌رفتند.^۴ این امر از سویی مهارت جواهرسازان ایرانی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر با رفتن جواهرسازان ایرانی به کشورهای دیگر انتقال و هنر جواهرسازی ایرانی را در پی داشت که باعث ترغیب خرید جواهرات ایرانی می‌شده است و تبریز به عنوان پایتخت ایلیخانان به عنوان مرکز این رستاخیز صنعتی و تجاری در حرفه جواهرسازی ابراز وجود کرده است.

تجارت جواهرات

تجارت به عنوان یکی از شریان های حیاتی زندگی بشر برای رونق اقتصادی ایران تأثیر فراوانی داشته است. ایران بدلیل موقعیت مناسب جغرافیایی بر سر راه ترانزیتی ویژه ای قرار داشت که در هر دوره بسته به شرایط سیاسی دولت های حاکم این موقعیت ترانزیتی تقویت شده و یا تنزل یافته است. ایران در دوران حکومت ایلیخانان با توجه به پیشینه و علاقه و اهمیت آنها به تجارت، دوران بس شگفتی را سپری کرده است. گرچه نابسامانی های ناشی از تهاجمات مغول و موج دوم حمله به ایران تا مدت ها آثار سوء خود را برجای

۱. طوسی، همان، ص. ۱۲۶.

۲. همان، ص. ۵۸-۵۹.

۳. ادیب، جهان جواهرات، ص. ۳۱۳.

۴. شاردن، همان، ص. ۳۲۴-۳۲۵.

داشت، تجارت جواهرات به عنوان یکی از کالاهای مورد نظر اغنیا و در کنار دیگر صنایع به رونق حیات خود ادامه داد. در این دوره نوعی پیشرفت چشمگیر درخصوص رابطه تجاری خارجی جواهرات به شکل گسترده با کشورهایی مثل چین و هند و به صورت کم رنگ تر با برخی از کشورهای دیگر مانند مصر و ترکستان صورت می‌گرفته است که سهم تبریز در این شکوفایی اقتصاد به عنوان پایگاه صنعتی تولید جواهرات در این دوره بسیار حائز اهمیت است. همین سهم تولیدی و تجاری باعث شد که بازرگانان داخلی و خارجی برای تجارت با بازرگانان ایرانی به تبریز رفت و آمد داشته باشند.

اودریک در سفرنامه خود وضعیت تبریز این دوره را به تصویر می‌کشد: «هیچ نوع کالا بر روی زمین نیست که انبارهای بزرگی از آن در تبریز یافت نشود. موقعیت شهر بسیار خوب است، زیرا از تمام جهان برای داد و ستد به آنچه می‌آیند.»^۱

در دوران حکمرانی ایلخانان مغول با ایجاد امنیت نسبی و لزوم تجارت جواهرات، به سبب علاقه و سود رسانی، بازرگانی این نوع کالا ادامه داشت. علاقه و اهمیت این نوع تجارت را می‌توان در توصیف ابن بطوطه از بازار تبریز دریافت: «از دروازه بغداد به شهر تبریز وارد شدیم و به بازار بزرگی که بازار غازان نامیده می‌شد، رسیدیم و آن از بهترین بازارهایی بود که در همه شهرهای دنیا دیده ام. هر یک از اصناف و پیشه‌وران در این بازار محل مخصوص دارند و من به بازار جواهریان که رفتم، بس که از انواع جواهرات دیدم، چشم خیره گشت. غلامان خوشگل با جامه‌های فاخر، دستمال‌های ابریشمین بر کمر بسته، پیش خواجهگان ایستاده بودند و جواهرات را به زنان ترک نشان می‌دادند. این زنان در خرید جواهرات به هم سبقت می‌جستند و زیاد می‌خریدند...»^۲ خاتون‌ها به دلایل مختلف از جمله گرایش به زینت‌ها و تمایل رسیدن به کمال زیبایی همواره در تهیه جواهرات بر یکدیگر سبقت می‌جسته‌اند. جدا از این، جواهرات به عنوان پول‌های راکد همواره نقش پشتوانه مالی را برای خاتون‌ها ایفا می‌کرده است.

در سایه امنیت نسبی که از دوران اباق‌خان (۶۶۳) و احمد تکودار (۶۸۳) برقرار شد و در دوران حکمرانی ارغون و گیخاتو استحکام یافت، تجارت جواهرات با شهر با شهرهای داخلی و کشورهای خارجی راه خود را ادامه داد. این انجام وظیفه در زمان حکومت غازان خان و اولجایتو به نهایت شکوفایی رسید و توجه به قوانین امنیتی و گمرکی سبب رونق بیش از پیش تجارت جواهرات شد.^۳

۱. جوادی، ایران از دید سیاحان اروپایی در دوره ایلخانان، ص ۱۳۵

۲. ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۵۳

۳. همدانی، همان، ج ۲، ص ۹۵۴.

در دوران گیخاتو (۶۹۰ ه ق) با خالی شدن خزانه که ناشی از بذل و بخشش های نابه جا و عدم تدبیر وی و کارگزارانش بود، اسکناس چاپ و به عنوان راه حلی برای جبران این نابسامانی مالی پیشنهاد شد. ایلخان حکم کرد که در تمام مملکت به زر و سیم معامله نکنند و پارچه های زربفت به جز آنچه که مخصوص پادشاه و بزرگان است نبافند. همچنین از ساختن ظروف طلا و نقره اجتناب کنند و به طور کلی «هر حرفه ای که باعث از بین رفتن زر و سیم است، تعطیل گردد.»^۱ بنابراین در این زمان دورویداد مهم و جدید اتفاق افتاد. یکی اینکه تمام جواهرات از جمله و نقره و سنگ های قیمتی که ابزارهای تجارت بودند و خزانه مملکتی باز می گشتند. زیرا با توجه به قوانین جدید، کاربردی نداشتند. دوم اینکه حرفه هایی مثل جواهرسازی و تمام آنچه با جواهرات سرو کار داشته است در معرض تعطیلی بود. این امر می توانست خسارت های جبران ناپذیری هم از نظر اقتصادی و هم از نظر صنعتی به تولید و تجارت جواهرات وارد آورد.

همانطور که صاف نیزگزارش می دهد از سال ۶۹۳ که چاو وارد تبریز شد، پس از سه روز تبریز از بازرگانان خالی و تجارت مسدود شد.^۲ در نهایت به دلیل نارضایتی ها و عدم شناخت اسکناس چاو و مخالفت هایی که صورت گرفت، اسکناس چاو ابطال شده و تجارت به روال پیشین خود خود ادامه یافت.^۳ علی رغم تلاش خانات مغول نابسامانی های امنیتی توسط ایلچیان باعث نارضایتی تجارت شده بود. با شروع حکومت غازان خان (۶۹۴ ه ق) از عمده ترین دستورهای وی ایجاد امنیت راه های تجاری بود: «کار به مرتبه ای انجامید که تجار رونده و آینده از ناایمنی راه ها از تردد بازمانده بودند». غازان خان دستور داد تا خواجه صدرالدین ترتیبی داده تا امنیت راهها تامین گردد، «چون از تغلب و تسلط ایلچیان و زیادتی کردن به اقصی الغایه رسیده بود.»^۴ همچنین در این زمان تعرفه های گمرکی در تبریز معمول بوده است، به طوری که در این شهر هر چه می خواستند خریداری کنند قیمت آن را بر حسب طبقه بندی کالاها پرداخت می کردند و تمام وجوه توسط تیول داران دریافت می شد. همه کالاها را وزن می کردند و به نسبت معین عوارض گمرکی دریافت می کردند.^۵ علاوه بر این ها غازان خان خود علاقه بسیاری به جواهرات داشت و یکی از علومی که وی آموخته بود، علم معدن بوده است. آگاهی او از دانش معادن و جواهرات به اندازه ای

۱. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۶۰۱.

۲. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ص ۱۶۶.

۳. مستوفی، همان، ص ۶۰۱ و آیتی، همان، ص ۱۶۵.

۴. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۶۰۳-۶۰۴.

۵. سفرنامه ونیزیان در ایران، همان، ص ۸۸.

بود که اگر در مکانی معدنی را می‌دید می‌دانست که معدن کدام جواهر است و نحوه استخراج انواع جواهرات و صیقل دادن تراش کاری و جلادادن آنها را می‌دانست و خود نیز آن را تجربه کرده بود.^۱ این امر گرایش غازان خان به تجارت جواهرات و تلاش برای ایجاد امنیت و تعرفه گمرکی برای رونق داد و ستد این نوع کالا را نشان می‌دهد. چه اینکه غازان در تبریز حضور داشته و صنعت و تجارت جواهرات را در این شهر نظاره گر بوده است.

اولجایتو (۷۰۳هـ.ق) جانشین غازان خان تمهیدات بازرگانی و سیاسی پیش از خود را ادامه داد و تبریز در زمان حکمرانی وی همچنان یکی از شکوه مندترین شهرها از لحاظ تولید و صنعت جواهرسازی و هم از نظر تجارت جواهرات بوده است. کاشانی در توصیف تبریز در زمان حکومت اولجایتو پس از توصیف معماری کلی شهر به توصیف بازار آن می‌پردازد: «در او افزودن از ده هزار دکان معمور، موفور به رزمه های زیبای چین چون ریاحین و بارگاه خانان ترک آراسته به خوانین نازنین. دکان های شهر مشحون به حقاق و فسادیق و کاسات و اباریق و نظامی و جواهر و عرایس اوانس به غرایب مرصعات و تنسوقات آکنده ... و اهل حرفت مشتهر و بزازان و تجار معتبرند.»^۲

با توجه به این توصیفات می‌توان پی برد که اولجایتو از ارزش اقتصادی و فرهنگی تجارت جواهرات به خوبی آگاه بوده است. همچنین میتوان به میزان اهمیت تجارت جواهرات در دوران ایلخانان و نقش تبریز به عنوان یکی از پایگاه های مهم این تجارت جهانی پی برد.

تجارت داخلی جواهرات

همانطور که پیش از این هم ذکر شد موقعیت صنعتی و آباد شهر تبریز در قرن هفتم هجری باعث آمد و شد بازرگانان مختلف داخلی به این شهر برای خرید و فروش و یا اقامت برای امور بازرگانی، انواع کالاها از جمله جواهرات بوده است. بازرگانان داخلی از شهرهای مختلف از جمله بغداد و هرمز و موصل برای خرید و فروش به آنجا می‌رفتند و بهترین سنگ های قیمتی و مروارید های اصلی را می‌توانستند در این شهر بدست آورند.^۳ همچنین ابن بطوطه در سفرنامه اش از شهاب الدین کازرونی به عنوان تاجری که از تبریز به

۱. همدانی، همان، ج ۲، ص ۹۷۲.

۲. کاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۴۵-۴۶.

۳. مارکو پولو، سفرنامه مارکو پولو، ص ۳۱.

دربار سلطان هند آمده و دارای هدایایی از سلطان گردید، نام می‌برد.^۱ این توصیف نمایانگر این امر است که تجار داخلی از شهرهایی مثل کازرون برای تجارت به شهر تبریز آمده و در آنجا اقامت می‌گزیدند. بازرگانان داخلی شهرهای بزرگ تجاری که بر سر راه های تجاری عمده قرار داشتند برای تجارت جواهرات به این شهر آمد و شد کرده و یا مانند شهرهای کوچکتر که دارای بازارهای محلی بودند از جمله کاشان و یزد، در کاروانسراهای این شهر برای بازرگانی انواع کالاها اقامت داشتند.^۲ در این شهر صنعتی سکه از هر نوع و رنگ، مشک و لاجورد و انواع مرواریدهای بندر هرمز و پارچه های بسیار زیبا یافت می‌شد.^۳ بنابراین جواهرات از جمله سنگ های قیمتی مثل لاجورد و مرواریدهایی که در بندر هرمز صید می‌شد به تبریز صادر شده و در این شهر مورد داد و ستد قرار می‌گرفت.

همچنین خرید جواهرات شهرهای مختلف از جمله بندرگاهها برای تجار تبریزی حائز اهمیت بوده است. بازرگانان تبریز برای خرید مرواریدهای جزایر بندر هرمز از جمله قشم و کیش و سنگ های قیمتی و جواهراتی که از کشورهای مختلف به این بندرگاه وارد می‌شد، رفت و آمد می‌کردند.^۴

تجارت خارجی جواهرات

در دوران حکومت ایلخانان در قرن هفتم و هشتم هجری تجارت خارجی جواهرات متناسب با روابط سیاسی رونق داشته است. جدا از اینکه ایلخانان همواره سعی داشتند که روابط تجاری را از شرایط سیاسی تفکیک کنند. مارکوپولو در سفرنامه اش عنوان میکند که بازرگانان تبریزی که با خارج داد و ستد می‌کنند، زود متمول می‌شوند.^۵ تجارت جواهرات با بنادر هند و تمام بلاد شرق و چین و مصر و شام و عثمانی رونق داشته است. همه این کشورها « هر آنچه از نفایس و ظرایف که ماه و آفتاب و فیض سحاب آن را آب و تاب آورده و بر روی دریا می‌توان آورد به ایران آوردند».^۶

۱. ابن بطوطه، همان، ج ۲، ص ۵۸۹.

۲. سفرنامه ونیزیان در ایران، همان، ص ۳۸۵.

۳. همان، ص ۳۸۷.

۴. ابن بطوطه، همان، ج ۱، ص ۳۰۰-۳۰۱.

۵. مارکوپولو، همان، ص ۴۸.

۶. آیتی، همان، ص ۸۸.

تجارت جواهرات با هندوستان

تجارت با هندوستان و بنادر آن در این زمان بسیار اهمیت داشته است. از هندوستان هل و ادویه و جواهر، مروارید و پارچه های زربفت و اجناس دیگر از راه هرمز و قیس (کیش) که در تجارت با هندوستان دارای اهمیت خاص بودند به ایران وارد می شدند.^۱ تجار هرمز و کیش این جواهرات را در سفرهای تجاری به تبریز برده و در آنجا یا توسط صنعت کاران تبریزی پردازش شده و یا در بازارهای جواهریان تبریز به فروش می رسیدند.

از جمله جواهراتی که از هند به ایران وارد یاقوت هندی بوده است. «بهرمان» از پایتخت های منطقه سیلان هند بوده است که دارای معادن و خورهای یاقوت می باشد. یاقوتی که از هند به ایران وارد می شده، احتمالاً از همین منطقه بوده است.^۲ از «سرنندیب» هند نیز که یکی از بهترین و شاید به روایت مسترفی بهترین نوع الماس را داشته است، الماس به ایران وارد می شده است.^۳

تجارت عمده هند با ایران از طریق بندر هرمز بوده است و یکی از عوامل اقتدار و قدرت سیاسی ایران هرمز نیز همین امر محسوب می شده است. از سوی دیگر بندرگاه مهم ارتباطی هند که به مثابه کلید هند محسوب می شده و تقریباً تمام اجناسی که از هند به اقصی نقاط جهان صادر می شده است، از این بندر عبور می کرده است، بندر «معبّر» بوده است.^۴ صادرات ایران به هند نیز عمدتاً از طریق همین بندر انجام می شده است. «از عهد آدم تا به امروز از خاور باختر و شمال و جنوب زر و سیم و سایر طرائف به آنجا می بردند.»^۵

در این زمان بخصوص در زمان حکمرانی غازان خان (۶۹۴ هـ) و پس از اصطلاحات پولی وی مقادیر بسیار زیادی از طلای ایران به هندوستان صادر می شده است. طلا از ایران و آسیای مرکزی به سوی هند سرازیر می شده است.^۶ صادرات طلا به هند به حدی بوده است که طلا در ایران نایاب شده است و دلیل این امر این بود که مسکوکات طلا ذاتاً کالایی محسوب می شده که براساس وزنش مورد معامله قرار می گرفته و تجارت عموماً با سکه های نقره انجام می شده است.^۷ مشخص نیست که سیاست نابه جای

۱. اشپولر، همان، ص ۴۳۳.

۲. ابن بطوطه، همان، ج ۲، ص ۶۹۴.

۳. مستوفی، نزه القلوب، ص ۲۰۳.

۴. آیتی، همان، ص ۱۸۴.

۵. آیتی، همان، ص ۱۸۴.

۶. همدانی، همان، ص ۲۲۸ و پطروشفسکی، همان، ص ۱۱۲.

۷. پطروشفسکی، همان، ص ۱۲۸.

اقتصادی به چه دلیل انجام می شده است زیرا که ایلخانان خود بازرگان زاده بودند. اما صادرات طلا و نقره به هند باعث خروج پول درگرددش دولت به کشور هند می شده است. دولت برای جبران این کسری، انتشار اسکناس چاو را چاره کرد که به دلایل مطرح شده، شورش بلوای تجار داخلی و عدم تمایل بازرگانان خارجی را در پی داشت. این امر از سوئی باعث ایجاد تورم شده و از سوی دیگر سقوط ارزش پولی را نیز سبب می شده است. زیرا نبود پول درحال گردش عدم توان تجاری شده و در مواقعی نیز تغییر و انتقال مراکز تجاری را به همراه داشته است.

تجارت جواهرات با چین

روابط بازرگانی با مملکت چین در این دوره در قرن هفتم و هشتم به سبب ارتباط خاص ایلخانان با خاقان آن سامان وضع به خصوصی داشته است. عمده صادرات جواهرات چین به ایران از طریق بنادری مثل «چین چین» و یا «کانتون» انجام می شد. ابن بطوطه و فور تجار مسلمان و ایرانی را در آنجا گزارش می دهد. شرف الدین تبریزی بازرگانی از تبریز که بدلیل امور تجاری در چین حضور داشته است.^۱ ارتباط تجاری با چین هم اکثراً از طریق بندر هرمز انجام می شده است.^۲

یکی از انواع جواهراتی که بوسیله ایران و چین مورد معامله عمده قرار می گرفته است، سنگ یشم بوده است. سنگ یشب که آن را یشم نیز می گفتند از سرزمینهای ختن و طغماج به ایران وارد می شده است.^۳ همچنین مارکوپولو از تجارت سنگ یشم از ایالت «پین» که از ایالات چین بوده است، سخن می گوید. طبق توصیفات مارکوپولو از وسط این محل رودخانه ای می گذرد که در بستر آن سنگ یشم یافت می شده است.^۴ به نظر میرسد این سنگ بدلیل علاقه خاص ایلخانان به آن و ازدیاد معادن آن در چین به ایران وارد می شده است.

همچنین از دیگر جواهراتی که از چین و از طریق بنادر آن از جمله زیتون به ایران صادر می شده است. طلا و نقره بوده است. چین کشور طلا و نقره فراوان بوده است که وجود بازرگانان ایرانی همچون برهان الدین کازرونی در آن نشان از تجارت عمده جواهرات طلا و نقره با ایران بوده است.^۵ در مقابل واردات سنگ یشم

۱. ابن بطوطه، همان، ج ۲، ص ۷۴.

۲. اشپولر، همان، ص ۴۰۳.

۳. طوسی، همان، ص ۱۲۱.

۴. مارکوپولو، همان، ص ۶۷.

۵. ابن بطوطه، همان، ج ۲، ص ۷۸.

به ایران، صادرات مرواریدهای اعلی ایرانی که توسط جواهرسازان تبریزی جلاکاری و سوراخ می شده است، به چین صورت می گرفته است.^۱

بنابراین توصیفات تجارت باچین باعث ورود طلا و نقره، به عنوان پول درحال گردش، به کشور می شده است. به نظر میرسد این واردات- با توجه به ازدیاد معادن آن در چین- به عنوان جبرانی برای صادرات مروارید از ایران بوده است. در ازای مرواریدی که از طریق بنادر ایران همچون هرمز به چین صادر میشد، طلا و نقره به ایران وارد شده و به خزانه تبریز انتقال می یافته است.

تجارت خارجی با سایر ممالک

تجارت با عثمانی نیز از طریق تبریز صورت می گرفته است. از تبریز حریرهای سرخ به حلب و عثمانی صادر شده و در مقابل قماش و نقره به تبریز وارد می شده است.^۲ علاوه بر ادویه، یاقوت و زمرد از مصر، سیام و سیلان به ایران وارد می شده است و برای تزئینات شخصی ارزش زیادی داشت.^۳ همچنین از ترکستان انواع پوست، مشک به همراه سنگ یشم و اسب و برده به ایران وارد می شده است.^۴ ارزش سنگ های قیمتی از لحاظ اقتصادی به اندازه ای بود که در کنار انواع کالاهای دیگر به وفور مورد معامله قرار می گرفت. باز هم تأکید بر این است که تمام جواهرات در کارگاه های صنعتی شهرهایی مثل تبریز صنعت کاری شده و در بازارهای آباد این شهر که محل آمد و شد فراوان بازرگانان مختلف بوده است، مورد معامله قرار می گرفته است. ورود این جواهرات به کشور از سویی خزانه مملکتی را سرشار می کرده است و از سویی با ورود به چرخه اقتصاد کشور بالندگی تجاری را به همراه داشته است.

نتیجه گیری

مغولان از دیرباز اهمیت بسیاری برای تجارت و بازرگانی قائل بودند. ابتدای نشستن آنان بر سریر حکم رانی ایران با ویرانی و عدم همگونی سیاسی و اجتماعی و در نتیجه نابسامانی اقتصادی و در پی آن رکود تجاری و بازرگانی به همراه بود. با انسجام سیاسی حکومت ایلخانی در ایران، صلح و امنیت نسبی همگام با نیاز اقتصادی دولت و گرایش شدید به تجارت و آبادانی شهرها موجبات از سرگیری مجدد بازرگانی از

۱. آیتی، همان، ص ۱۷۰ و سفرنامه ونیزیان در ایران، همان، ص ۳۸۴.

۲. سفرنامه های ونیزیان در ایران، همان، ص ۳۸۸.

۳. شاردن، همان، ص ۳۱۲.

۴. اشیپولر، همان، ص ۴۳۳.

جمله تجارت جواهرات به عنوان کالای مورد نظر اغنیا را فراهم کرد. بنابراین در راستای تایید فرضیه این پژوهش باید گفت که امپراطوری بزرگ ایلخانان به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه ایران به عمده راه های شرق و غرب از جمله جاده ابریشم تسلط یافت. همین امر باعث شد پایتخت این حکومت یعنی تبریز به عنوان مرکزی برای صنعت جواهر سازی و بازارهایی تحت عنوان بازار جوهریان یا جواهریان، همواره به عنوان پایگاهی برای تجارت داخلی مروارید خلیج فارس و فیروزه نیشابور و بازرگانی خارجی زمرد و یشم و مروارید با هندوستان و چین مبدل گردد. این امر سبب شد که تبریز با درخشندگی عظیم در عرصه صنعتی و تجاری جواهرات سهم بسزایی در رونق اقتصادی دوران ایلخانان داشته باشد. این شهر با وجود کاروان سراها و بازار های عمده تجاری جواهرات علاوه بر پایتخت سیاسی خانات مغول به عنوان پایگاه تجاری این دوره نیز محسوب می شده است. همین رونق و شکوفایی باعث حضور بازرگانان داخلی و خارجی جواهرات در این شهر شده که هم بر اهمیت تجاری شهر می افزود و هم جایگاه تبریز و جواهرات آن را به عنوان یک دستاورد فرهنگی-اقتصادی به جهانیان خاطر نشان می کرد. از سوی دیگر توجه به این نوع تجارت باعث ورود جواهرات باارزش به خزانه دولت به عنوان پشتوانه مالی دولت می گردید. باید افزود که مجموعه ای از عوامل دست در دست هم نهاد تا تبریز توانایی بلقوه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را در دوران ایلخانان به نمایش بگذارد.

منابع و مآخذ

- آیتی، عبدالمحمد، *تحریر تاریخ وصاف*، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ادیب، داریوش، *جهان جواهرات*، تهران، انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۶۹.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ مغول در ایران، سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- البیرونی، ابوریحان محمدبن احمد، *الجماهرفی المعرفه الجواهر*، به تحقیق یوسف الهادی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۷۳.
- اقبال، عباس، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- انصاری دمشقی، شمس الدین محمدبن ابی طالب، *نخبه الدهرفی العجایب البروالبحر*، به اهتمام حمید طیب بیان، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
- ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، ج ۲، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- پروشفسکی، ا.ب، کارل یان، جان ماسون اسمیت، *تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در دوره مغول*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، بی جا، ۱۳۶۶.
- جوادی، حسن، *ایران از دید سیاحان اروپایی در دوره ایلخانان*، بررسی های تاریخ، شماره ۱۵۱.
- جوهری نیشابوری، محمدبن ابی البرکات، *جواهرنامه نظامی*، به اهتمام ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- ذکاء، یحیی، *گوهرها*، تهران، موسسه کتابهای جیبی، ۱۳۴۶.
- *سفرنامه های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بی نا، ۱۳۴۹.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، *تسنوخ نامه ایلخانی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
- شاردن، فرید، راند دلبیو، *سفرنامه شاردن در ایران*، ترجمه حسین هژبریان، تهران، انتشارات فروزان، ۱۳۸۴.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد، *تاریخ اولجایتو*، تصحیح میهن همبلی، تهران، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- کلاویخو، روی گونسانس، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

- گریشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۸.
- مارکوپولو، *سفرنامه مارکوپولو*، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، *نزهه اللوب (مقاله سوم)*، به کشش محمود دبیرسیاقی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۶۶.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- مینورسکی، و، *تاریخ تبریز*، ترجمه و تحشیه عبدالعلی کارنگ، تهران، انتشارات کتابفروشی، ۱۳۷۷.
- نادر میرزا، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، به اهتمام محمد مشیری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۰۳.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ*، ج ۲، تهران، انتشارات اقبال، بی تا.
- ویلسن، کریستین جی، *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات ساولی، ۱۳۶۶.

